

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۲۰۱۰/۲۷/۱۲

تجاوز شوروی و سرنوشت مصیبت بار افغانستان تداوم روسیاهی خلق و پرچم

تجاوز شوروی به افغانستان نتایج مصیبت باری برای افغانستان داشته است. علاوه بر به قدرت رساندن یک مشت از شرف باختگان خلق و پرچم و در خدمت گرفتن آنها برای مقاصد استعماری روس، مسکو گروه های ارتجاعی خاصی را در لفافه دین هم در بند انداخت تا نقش تباه کنی را در آینده افغانستان ایفاء کنند. این طرز کار سوسیال امپریالیسم شوروی موفقانه در ساحه عمل پیاده شد و مسکو توانست بی دغدغه اما با سرشکستگی افغانستان را ترک گوید بدون اینکه مورد بازخواست قرار گیرد. در سطح منطقه نی و جهانی، استعمار شرایط را طوری عیار گردانید که کشور های خصم افغانستان در منطقه دست بالا در کشور ما یافتند و با یاری مزدوران داخلی آن را به تباهی کشانیدند. امپریالیسم امریکا آقای جهان شد. شکست شوروی در افغانستان و سرانجام اضمحلال امپراتوری سوسیال امپریالیسم شوروی، زمینه را برای امریکا در تجاوزاتش بر افغانستان و عراق و کشتار های سیستماتیک مردم این دو کشور مهیا ساخت.

خلق تنظیم های هفتگانه در پاکستان، هشت گانه در ایران و ایجاد گروه های ملیشانی ساخت کی جی بی ظاهراً زیر فرمان افرادی مانند دوستم، مسلم و سیدکیان در داخل، تشویش مسکو را از تأسیس یک دولت مستقل ملی و مردمی که حامی منافع ملت افغان باشد و شوروی را وادار به تادیبه غرامات جنگی نماید، رفع نمود. ربانی رهبر منافقین جمعیت اسلامی بعد از رسیدن به قدرت در کابل، غرامات جنگی را به مسکو بخشید و یکی از اهداف مسکو برآورده شد. حوادث بعدی نیز نشان داد که چطور همکاری های مخفی و توطئه های مشترک میان کی جی بی، وواک و آی اس آی در اضمحلال افغانستان تکامل یافت. پرچمیان به شمول محمود بریالی

برادر ببرک، خاک فروش معروف تاریخ، تا اوایل سال ۱۹۹۴ در کابل بود و شاهد رفت و آمد سران و اوک و آی اس آی بودند و مشترکاً سوختن شهر کابل را با اشتیاق کامل مشاهده میکردند. بر مبنای معاملات سری میان کشور های ذیدخل، تعداد کثیری از خلیان و پرچمیان از ترس قهر ملت، افغانستان را ترک گفته و رهسپار کشور های غرب شدند. یک تعداد ازین نجس های تاریخ خدمات و طنفروشانه و خاینانه خود را در خدمت سازمان های استخباراتی کشور های امپریالیستی ارزانی داشتند و یا اینکه بعد از تجاوز امریکا به افغانستان طبق عادت گذشته، در خدمت متجاوزین قرار گرفتند.

مسکو، تهران و اسلام آباد از جنگ داخلی افغانستان سخت شادمان شدند، البته هر یک برای هدف خاص خودش. هیچ یک ازین کشور ها تحمل دیدار یک افغانستان مستقل و پیروزمند را نداشتند. اگر شوروی بقاء میکرد، تقسیم افغانستان به شمال و جنوب نظر به شهادت اسناد تاریخی تحقق می یافت و نظر به وعده مسکو به احمدشاه مسعود، حکومت افغانستان شمالی تحت رهبری وی تشکیل میشد که بدون کمترین تردید بعداً نام دیگری مانند خراسان یا ایران شرقی به خود میگرفت. پرچمیان ببرکی هم به آنها می پیوستند و مرحله دیگری از حیات بی ننگ خود را آغاز میکردند.

شورای نظار و منافقین جمعیت که به شوروی و ایران رو آورده بودند، با حمایت نجیب (آخرین رئیس جمهور مزدور پرچمی روس در کابل) سردهسته توطئه گران در تقسیم افغانستان شدند که امروز هم همان نقش خاینانه را با یک قدرت جهانی دیگر بازی می کنند. ادامه جنگ های داخلی، تحریک طالبان را وارد صحنه سیاسی کشور ساخت و زمینه رخنه هر چه بیشتر القاعده را در افغانستان آماده نمود و این کشور را به جایگاه تروریسم جهانی مبدل کرد. این حالتی بود که امپریالیسم جهانی شرایط آنرا برای تجاوز خود به افغانستان سال ها قبل آماده ساخته بود و برای تحقق آن، روز شماری میکرد. سرانجام امپریالیسم جهانی به آرزویی که تسلط بر افغانستان و استعمار این کشور بود رسید. حملات تروریستی ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ القاعده در نیویارک و واشنگتن (تیوری های متعددی در مورد وقوع این حادثه وجود دارد که دولت امریکا مانع بسط و انکشاف تحقیقی آن تیوری ها است) بهانه خوبی برای تجاوز امریکا و ناتو به افغانستان و برگرداندن مزدوران انتلاف شمال به قدرت و تعیین فرد بی آبرویی به نام "حامد کرزی" در رأس دولت مستعمراتی کابل داد. افغانستان سال ها است که در آتش خشم درنده خویان غرب و مزدوران حیوان صفت داخلی امپریالیسم میسوزد.

اگر کودتای خلقی - پرچمی به وقوع نمی پیوست و بعداً تجاوز سوسیال امپریالیسم شوروی را به دنبال نمی داشت، چنان مصیبت ها گریبانگیر افغانستان نمی شد. خلقی و پرچمی ها (خواه ببرکی اند یا نجیبی) باید بدانند که حکم تاریخ در محکومیت آنها قبلاً صادر شده است. ملامتی را بر دوش یک دیگر انداختن برای اینکه مردم را در سرگیچی قرار دهند، مانند پوست سگی است که بر روی خود می کشند تا چهره های کریه آنها از انظار پنهان بماند. **چه تلاش بیجا و ابلهانه!**